

کتیبه نویافته سنگ مزار

در محوطه باستانی نقش رستم

حمید بحرانیان

کارشناس پژوهشکده زبان و گویش

مقدمه:

به لحاظ موضوعی نیز کتیبه‌ها به دو دسته دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند. کتیبه‌های دولتی از شاهان ساسانی و درباریان برجای مانده و به خط پهلوی کتیبه‌ای یا منفصل است.^(۳) کتیبه‌های خصوصی که اغلب به خط تحریری است متعلق به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است و بیشتر، نوشته‌های یادبودی هستند مانند کتیبه‌هایی که به عنوان تعلق ملکی به شخصی یا احتمالاً وقف زمینی است^(۴) و دسته‌ای نیز کتیبه‌های یادبود سنگ مزارند^(۵). کتیبه‌ایی که در این مقاله قرائت شده است از جمله این کتیبه‌ها محسوب می‌گردد.

«محل استقرار کتیبه نویافته سنگ مزار»

برفراز کوه‌های محوطه باستانی و زیبای نقش رستم، بانویی آرامیده که سنگ مزارش متعلق به دوران ساسانیان است و به خط پهلوی تحریری ساسانی بر روی آن حکاکی شده است. این سنگ مزار هنگام مأموریت کارشناسان سازمان میراث فرهنگی جهت مولاژ گرفتن از کتیبه‌های مهم و تاریخی استان فارس کشف گردید. و خواندن این کتیبه از روی عکس بسیار مشکل می‌نمود ولی نگارنده با سعی و تلاش موفق به خواندن آن شد (عکس شماره ۱).

بعضی از واژه‌ها در این کتیبه بسیار ناخوانا شده‌اند. به ویژه نام دختری که سنگ مزار متعلق به اوست. که در سطر سوم کتیبه

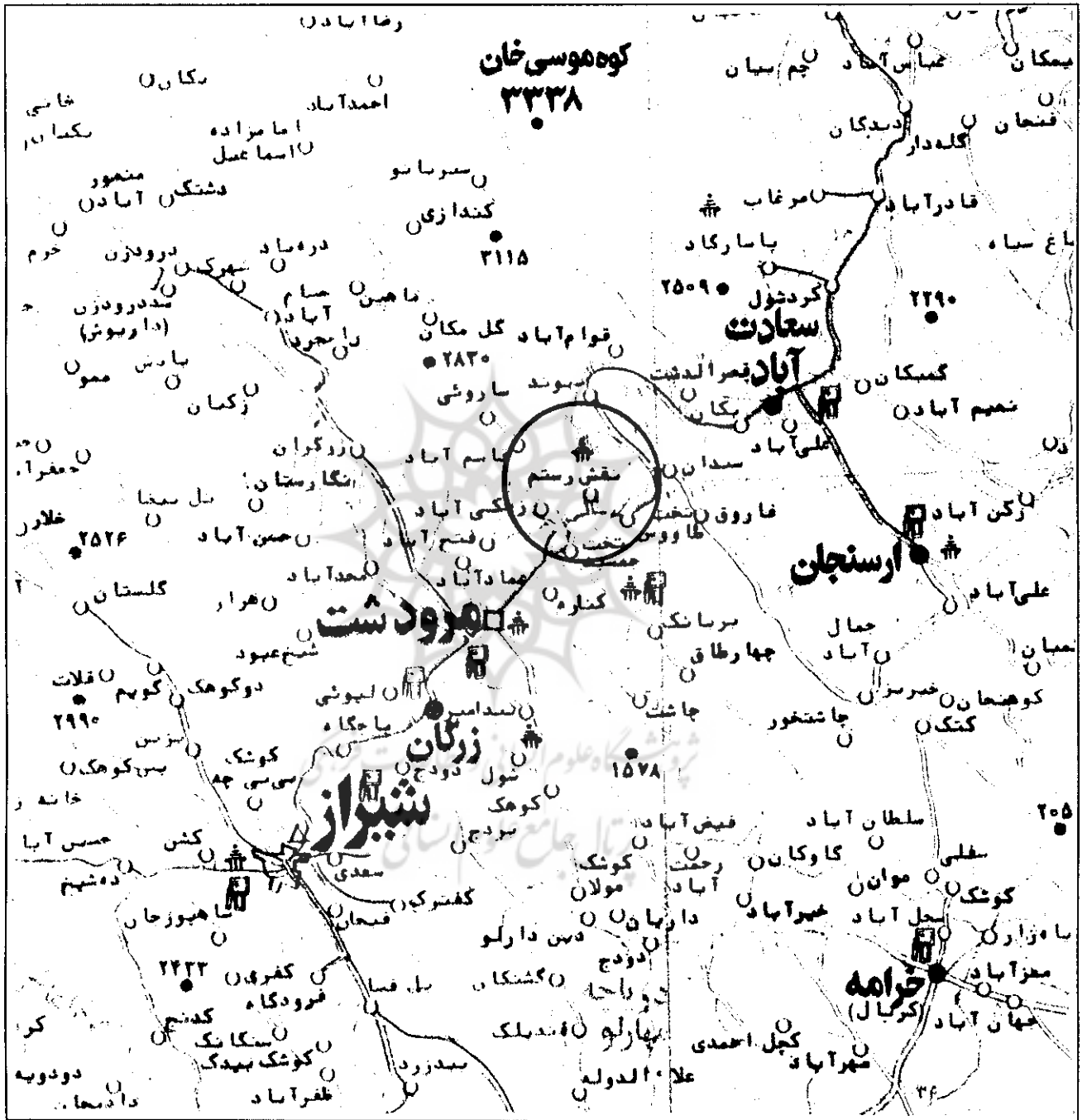
شاهنشاهی ساسانیان که به مدت چهارصدویست سال به طول انجامید (۲۲۶ تا ۶۵۲ میلادی) یکی از درخشانترین دوره‌های تاریخی ایران به شمار می‌آید و خط و زبان پهلوی که زبان رایج دوره ساسانیان است از زمان پارتها (۲۵۰ ق.م تا ۲۲۶ ب.م) و سپس ساسانیان (۲۲۶ تا ۶۶۱ ب.م) از روی خط آرامی با تغییرات مختصری که در آن به عمل آمده مرسوم بوده است.^(۱)

زبان پهلوی به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شود یکی پهلوی اشکانی است که در آذربایجان، خراسان، اصفهان، کردستان و سواحل غربی دریای خزر و ارمنستان رواج داشته و آثار چندانی از آن بدست نیامده است. و دیگری پهلوی ساسانی است که در جنوب و جنوب‌غربی کشور مورد استعمال بوده است. ولی اغلب در کتیبه‌ها از هر دو خط پهلوی استفاده شده است. کتیبه‌هایی نیز به طور کلی به دو نوع خط نوشته شده‌اند یکی خط پهلوی کتیبه‌ای و دیگری خط پهلوی کتابی (Cursive). کتیبه‌های قدیمی‌تر پهلوی مانند سنگ نوشته‌های ساسانی قرن سوم و چهارم میلادی به خط پهلوی کتیبه‌ای است ولی کتیبه‌های بعدی متعلق به قرن دهم میلادی به خط پهلوی کتابی است.^(۲)

و در ابتدای سطر واقع شده است و تا حدود زیادی نامفهوم و آثار شکستگی و گسستگی خطوط بر روی آن کاملاً محرز است. در تصاویری که از این کتیبه گرفته شده و ضمیمه مقاله گردیده آثار شکستگی به وضوح دیده می‌شود (عکس

شماره ۲).

این کتیبه دارای هفت سطر است که در اینجا پس از استنساخ، حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه و در پایان واژه‌نامه آن ذکر گردیده است.



موقعیت جغرافیایی کتیبه نویافته



تصویر شماره ۱

۶- **rwān: Lwb'n**: به معنای نفس و روان به کار رفته است. جزء اول این کلمه به صورت شکسته در کتیبه مشخص شده است. ولی جزء دوم آن به خوبی نمایان است.

۷- **xwēš / NPŠH**: این کلمه هزوارش است که به معنای خویش می‌آید. این کلمه در اوستا به صورت «x'aēpaiya» نوشته می‌شود. حرف اول و آخر کلمه **xwaēš** در کتیبه به خوبی مشخص است. در بقیه حروف آثار شکستگی دیده می‌شود.

۸- **rāy: l'd**: این واژه حرف اضافه است به معنی «را» و «برای» در فارسی میانه به صورت **r'y** در پارتی مانوی به صورت **rād** در مزامیر و کتیبه‌های پهلوی به صورت **l'dy** و در فارسی باستان به صورت **rādiy** می‌آید.

۹- **framūd: prmwt**: فعل سوم شخص مفرد ماضی به معنای فرمودن یا دستور دادن به کار رفته است. واژه **framūd** در کتیبه به صورت ناخوانا است و حروف آخر آن محو گردیده است.

۱۰- **kartan krtn'**: فعل ماضی سوم شخص مفرد. در متون فارسی میانه حرف **k** به صورت می‌آید این واژه به معنی درست کردن و ساختن است که در اینجا نیز به همان معنی به کار رفته است.

۱۱- **u-š: APŠ**: این کلمه هزوارش است و ضمیر سوم شخص متصل به واو عطف **AP** که در آرامی به صورت **wp** و در فارسی میانه به صورت **ud** واو عطف به کار می‌رود. در اینجا به معنی «و او را» آمده است اولین حروف این ضمیر به صورت شکسته نمایان است.

۱۲- **wahišt: whšt**: این کلمه به معنی «بهشت» آمده است. واژه **wahišt** در کتیبه به خوبی نمایان است.

۱۳- **bahr: bhl**: به معنی بهر، قسمت و نصیب می‌آید.

۱- **ēn: ZNE**: کلمه‌ایی است هزوارش که در اصل واژه‌های سامی الاصل هستند که در نگارش برخی از زبان‌های باستانی از جمله‌ی ایرانی میانه و پیش از همه در متون پهلوی به کار رفته‌اند. واژه **ēn** به معنی «این» به عنوان ضمیر یا صفت اشاره به کار می‌رود که از آن در متون فارسی معاصر نیز به همین منظور استفاده می‌گردد.

۲- **daxmag: dhmk**: به معنی جایی است که اجساد را تا هنگام نابودی نگاهداری می‌کنند. کلمه دخمه در اوستا «دخم» و در پهلوی «دخمک» به معنی داغگاه است یعنی محلی که مردگان را می‌سوزانند چه ریشه این کلمه «داغ» از همین ماده است. دخمه بعضی از شاهان هخامنشی چون داریوش اول درون مقبره بر کمره کوه و از دهلیز و اطاق‌پستی ترکیب شده است. بعضی تصور می‌کنند که داریوش مبتکر این مقابر بوده است، یعنی زمانی که با کمبوجیه به مصر رفته بود. به فکر افتاد که چنین مقبره‌ای بسازد و از این دخمه‌ها در ایران بسیار بوده است. واژه دخمه در بسیاری از کتیبه‌ها آمده است. از جمله در کتیبه‌های تنگ جلو، کتیبه اقلید، کتیبه شاه‌اسماعیل و کتیبه‌های تخت طاووس.

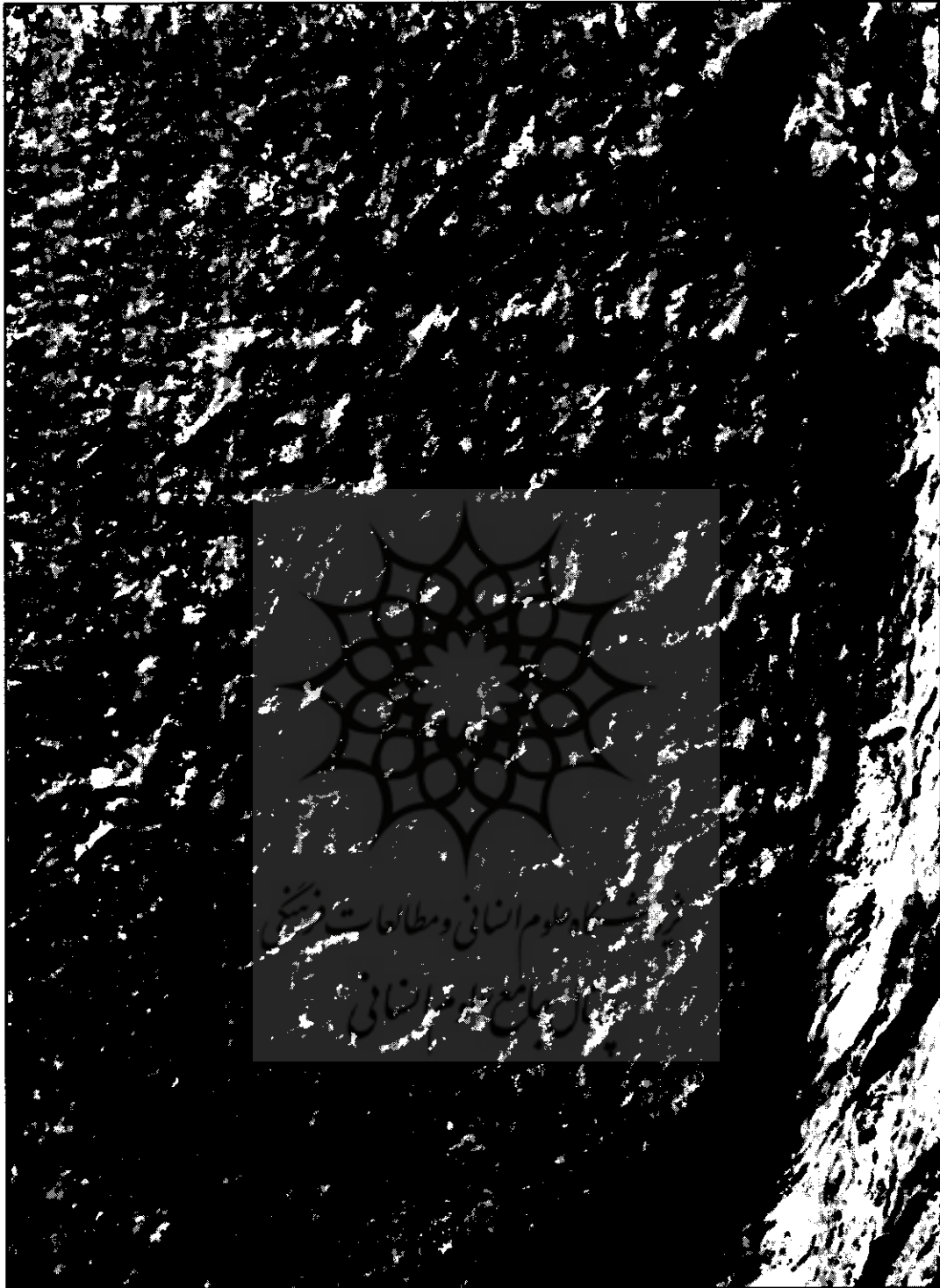
۳- **anōšrwan: 'nwšlwb'n**: به معنی شادروان و مرحوم است و به معنای جاودانگی و بی‌مرگی نیز به کار می‌رود. کلمه انوش در کتیبه مشخص است ولی جزء دوم آن تا حدودی حذف گردیده است. این واژه اسم خاص مربوط به شخص متوفی است که به علت شکستگی بین حروف قابل شناسایی به طور دقیق نمی‌باشد ولی ممکن است کلمه «گشنسب» باشد یا واژه‌ایی شبیه آن.

۵- **duxt: BRTE**: این کلمه هزوارش است به معنی دخت که به عنوان مزید مؤخر به اسامی خاص می‌پیوندد مانند اذرمی دخت یا پوران‌دخت. دخت پهلوی امروزه نیز به صورت دخت یا دختر و در لهجه گیلکی به صورت «دیر» به کار می‌رود.

به کار رفته است و از فعل būdan گرفته شده است

۱۴ - ع ۱۱۳۵ : YhWWN't : صیغه

سوم شخص مفرد در وجه التزامی که به صورت هزوارش



تصویر شماره ۲

زیر نویس ها:

فهرست منابع:

- ۱ - کریستن سن، آرتور، ۱۳۳۲، «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه رشید یاسمی، تهران.
- ۲ - اکبرزاده، داریوش، «کتیبه‌های پهلوی»، مؤسسه فرهنگی پازینه.
- ۳ - رجوع کنید به کتیبه شاپور اول در حاجی‌آباد و کتیبه شاپور در کعبه زردشت. دکتر احمد تفضلی «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام».
- ۴ - دهخدا، علی‌اکبر، «لغت‌نامه» مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ۵ - بشاش، رسول «کتیبه‌های سنگ‌مزار دو دختر» نشریه اثر شماره ۲۱.
- ۶ - عریان، سعید «واژه‌نامه پهلوی» پازینه، چاپ حوزه هنری سال ۱۳۷۷.
- ۷ - میرفخرایی، مهشید «فرهنگ کوچک زبان پهلوی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی